

نگاهی به نمایش «آقای اشمیت کیه؟»
به کارگردانی سپهر سلیمی

این میز مرکز جهان است

هویت، واقعیتی بسیار متزلزل است؛ بودن و چگونه بودن آدمی ساده‌تر از چیزی که تصورش را بکنیم، زیر سؤال می‌رود و حتی قابل انکار است. سیاستین تبری، نمایشنامه‌نویس و کمدین فرانسوی در نمایشنامه «آقای اشمیت کیه؟»...

مهر تایید مشاوران برای جدایی!

معاون زنان و خانواده رئیس‌جمهور؛
برخی مشاوران عامل طلاق زوج‌ها هستند

هنوز در آغاز راهند اما بعد از چند چالش و دعوی زن و شوهری حس کردند به پایان راه رسیده‌اند و همین احساس هم آنها را به دادگاه و مشاوره بکشاند. مشاوره‌ای که بدون آن‌که برایشان وقت بگذارد و برای حل اختلافات شان به آنها کمک کند...



۲۰ سال قبل از حمله به برج‌های دوقلوی نیویورکی

اسپتامبر ابتدا بر پرده سینما اتفاق افتاد

گفت‌وگو با نیلوفر شادمهری، نویسنده «خاطرات سفیر»
به بهانه چاپ هفتاد و هفتم کتاب

برای انتشار جلد دوم تردید دارم!

۱۰

گفت‌وگو «جام جم»
با تهیه‌کننده و مجری برنامه «در مسیر حسین»

پاسخگویی تلویزیونی به سؤالات زائران اربعین

۸

گفت‌وگو «جام جم»
با عوامل برنامه «پهلوان»

«علی دایی» ساختن در ورزش باستانی!

۷

گزارش

تاملاتی درباره چالش پیش‌روی سینمای ایران

فیلمی با تفکر ایرانی را به اسکار معرفی کنیم

موضوعات سینمایی و البته دیگر حوزه‌ها از جمله سلیقه مدیران سینمایی و مسائل سیاسی داخلی و خارجی قرار دارد. ولی اگر می‌خواهیم به این حضور جهانی ادامه بدهیم و خصوصا اگر می‌خواهیم شانس در این رقابت سخت داشته باشیم بالاخره باید جایی به یک جمع‌بندی برای تعیین شاخصه پیدا کردن راهکار برسیم.

فارغ از شرایط آکادمی اسکار برای راهپایی یک فیلم مثلا اگر آن فیلم از تاریخ معینی در کشور مربوط و احیانا حضورها و ارکان‌های دیگر به نظر می‌رسد مسئولان و دست‌اندرکاران سینمایی باید به یک محدوده مشخص از شاخصه‌ها برسند. مثلا با بررسی فیلم‌های ایرانی و دیگر فیلم‌های خارجی زبان شرکت‌کننده و برگزیده در این بخش، می‌توان به طرح چند سؤال اصلی و فرعی رسید که با پیدا کردن پاسخ این سؤال‌ها می‌توان شاخصه‌های لازم را به انتخاب فیلم برای معرفی آکادمی اسکار به دست آورد. مثلا آیا فیلم‌های جشنواره‌پسند ایران (که تعداد آنها در فیلم‌های معرفی شده به اسکار کم نیستند) توانسته‌اند در اسکار شانس داشته باشند؟ آیا فیلم‌هایی که در جشنواره‌های مخصوص اروپایی برگزیده یا نامزد دریافت جایزه شده‌اند، توانسته‌اند در اسکار شانس بیآورند؟ چقدر فیلم‌هایی با موضوعات اجتماعی و خصوصا ملی کشورها توانسته‌اند در اسکار شانس داشته باشند؟ آیا فیلم‌های برگزیده در بخش فیلم‌های خارجی‌زبان به لحاظ تکنیکی شاخص بوده‌اند؟ آیا نگاه سیاسی به کشورها باعث انتخاب فیلم خاصی شده است؟

چقدر حمایت‌های پشت پرده از فیلمی باعث انتخاب و برگزیدگی آن شده است؟...



بیشتر دریافت جایزه اسکار هستند. طی تقریبا دو دهه گذشته انتخاب فیلم برای معرفی به آکادمی اسکار یکی از بحث‌برانگیزترین و پرمناقشه‌ترین موضوعات سینمای ایران بوده و اهالی سینما از سینماگر و مدیر سینمایی و منتقد را درگیر خود کرده است اما هیچ بحث و گفت‌وگویی طی این سال‌ها به هیچ راهکار و معیار و شاخصه‌ای برای انتخاب فیلم نرسید. البته این مسأله نیز تابعی از دیگر مباحث در سینماست و پیدا کردن شاخصه برای آن تحت‌الشعاع

آکادمی علوم و هنرهای سینمایی (یا تصاویر متحرک) که از اواخر دهه ۱۹۲۰ در آمریکا تاسیس شده هر سال جوایزی را به بخش‌های مختلف ساخت یک فیلم از جمله نویسندگی، کارگردانی، فیلمبرداری تا اهرای مختلف صحنه و ... اهدا می‌کند. می‌دانیم که شرط حضور یک فیلم در این رقابت، ارکان آن در آمریکا (البته به جز فیلم خارجی زبان) است، یعنی این‌که مخاطبان سینما به طور طبیعی با آن فیلم را دیده‌اند یا درباره آن شنیده‌اند و وقتی وجهی از فیلمی انتخاب می‌شود مخاطب از قبل درباره آن ارزیابی و نظر دارد. ضمن این‌که انتخاب بهترین‌ها در هر بخش توسط اهرای متخصص در آن رشته صورت می‌گیرد و این نگاه تخصصی دارای اعتبار است و این اعتبار باعث می‌شود فیلم در ارکان‌های عمومی و جشنواره‌ای، شانس بیشتری برای فروش و موفقیت داشته باشد. از سوی دیگر، استمرار اهدای این جایزه طی نزدیک به ۹۰ دهه، به‌رغم برگزاری جشنواره‌های متعدد و مختلف سینمایی در سراسر دنیا آن را به یکی از معتبرترین جوایز سینمایی در جهان تبدیل کرده و البته که این اعتبار و استمرار مدیون سیطره سینمای آمریکا (هالیوود) بر جهان است.



مینو خانی
نویسنده و منتقد

مروری بر حضور ایران در اسکار

یکی از بخش‌های مهم اهدای این جایزه، بخش فیلم‌های خارجی زبان است.

سینمای ایران از سال ۱۹۵۶ با فیلم «دایره مینا» ساخته داریوش مهرجویی و سال ۱۹۵۷ با فیلم «یاد صبا» ساخته آلبر لاموریس تا سال ۱۹۹۴ با فیلم برنده نخل طلای کن «زیر درختان زیتون» ساخته عباس کیارستمی، فیلم دیگری را به این آکادمی با نفرستاد یا اگر هم فرستاد به آکادمی راه پیدا نکرد اما از اواخر دهه ۹۰ میلادی و خصوصا ۲۰۰۰ و به یمن شناخت سینمای ایران در جهان، تعداد زیادی فیلم به این آکادمی فرستاده شده تا با دیگر فیلم‌های خارجی زبان رقابت کند.

تا امروز مجید مجیدی با فیلم‌های «پچه‌های آسمان»، «زنگ خدای»، «باران»، «آواز گنجشک‌ها»، «محمد رسول الله...» و «خورشید» بیشترین حضور و اصغر فرهادی با دریافت دو جایزه برای فیلم‌های «جدایی نادر از سیمین» و «فروشنده».

برش

کوروساوارا فراموش نکنیم

فراموش نکنیم اگر کوروساوارا در جهان امروز برای سینماگران و سینمادوستان شناخته شده است به دلیل ساخت فیلم‌هایی با هویت ملی‌زاین بوده، هویتی که مختص این جغرافیاست و در جای دیگری از جهان وجود ندارد. این خاص بودن باعث دیده و برجسته شدن آثار کوروساوارا در جهان شد. پس باور کنیم اگر تلاش کنیم هویت ملی و تفکر ایرانی را که خاص این جغرافیاست و در جای دیگری نمی‌توان آن را پیدا کرد به جهانیان نشان دهیم، برای رسیدن به هدف، یعنی شناساندن هویت و تفکر ایرانی، گام اول را درست برداشته‌ایم و قطعاً موفقیت در این گام می‌تواند موفقیت در گام دوم، یعنی برگزیده شدن را نیز در پی داشته باشد.

یادداشت

انجمن‌های ادبی و نقش آن در انتقال تجربیات هنری

انجمن‌های ادبی از دیرباز به عنوان بخشی از بدنه جامعه فرهنگ و ادبیات کشور، نقش مهمی در انتقال تجربه‌ها و اندوخته‌های بزرگان و پیشکسوتان به جوانان شاعر داشته‌اند.

شاید پیشینه تشکیل این انجمن‌ها را بتوان در دوران صفویه دید. در آن زمان شعر به عنوان یک هنر مردمی از انحصار دربارها خارج شده بود. البته این اتفاق از دوران قرن نهم هجری و زمان سلطه تیموریان بر ایران آغاز شده بود اما در دوره صفویان، قهوه‌خانه‌ها در شهرهای بزرگ بخصوص در اصفهان که نقش محوری به عنوان پایتخت داشت، گسترش یافته بود. ایجاد رفاه نسبی و امنیت در سراسر کشور، باعث شده بود مردم به گذراندن اوقات فراغت اهمیت دهند و یکی از مهم‌ترین جاهایی که در آن زمان برای گذران اوقات فراغت وجود داشت، قهوه‌خانه‌ها بود. در این مکان‌ها، شعر به عنوان یکی از سرگرمی‌های مهم مردم مطرح بود. ایجاد مسابقات شعری و به اقتراح گذاشتن شعرهای مشهور برای استقبال، معماری، مشاعره و مانند آن به یکی از سرگرمی‌های اصلی مردم در قهوه‌خانه‌ها تبدیل شده بود و شاعرانی که دارای قریحه بودند، به عنوان چهره‌هایی مردمی و محبوب می‌توانستند در این مراکز دیده شوند. کم‌کم در سراسر کشور، باعث شده بود مردم از سرگرمی و بازی صرف به مباحث جدی و تند و تیز درباره نقد شعر تبدیل شد و بنیادهای نقد ادبی جدی در آن زمان ریخته شد. شاعران بر سر ضعف و قوت شعرهای خوانده شده، به بحث می‌پرداختند و آنهایی که سواد ادبی بیشتری داشتند، می‌توانستند دیگران را در این مباحث اقناع کنند. حلقه‌های ادبی و نشست‌های شعری، به این ترتیب گسترش یافت و در آن بحث بر سر قوت‌ها و ضعف‌های شعر شاعران به یک موضوع رایج بدل شد. این سنت در سال‌ها و قرون بعد ادامه پیدا کرد و در سراسر کشور، شاعران با تشکیل حلقه‌هایی کنار یکدیگر می‌نشستند، شعرهای شان را می‌خواندند و نظر شاعران و منتقدان را می‌شنیدند. این بحث‌ها، عملاً شعرا را به یک موضوع جدی و علمی تبدیل کرد و در همین نشست‌ها بود که بزرگان و شاعران با تجربه در کنار شاعران جوان و نوجوان قرار می‌گرفتند و عملاً انتقال تجربه به نسل جوان صورت می‌گرفت. با وارد شدن مباحث جدید و آگاهی به مبانی نقد ادبی مدرن، موضوعات جدید نیز به این انجمن‌ها وارد شد. گرچه طیف سنتی شاعران ابتدا در برابر مباحث جدید و دستاوردهای نقد ادبی مدرن، مقاومت می‌کردند اما به هر حال این مباحث وارد انجمن‌های ادبی نیز شد و اتفاقاً آثار هم قرار گرفتن شاعران سنتی و نوگرا، باعث شد نوع طیف‌های شعری در جلسات ادبی بیشتر شود و این مسأله، باعث پوست اندازی و نو شدن انجمن‌های ادبی شد که اندک‌اندک در حال از دست دادن کارکردهای خود بودند. این جلسات به خصوص در شهرستان‌ها تأثیر مهمی بر پرورش و مطرح شدن شاعران با استعداد داشت. امروز ما شاعران بسیاری را می‌شناسیم که از روستاها و شهرهایی گمنام در سراسر ایران، برآمده و در شعر به نام و عنوانی دست یافته‌اند. تقریبا همه این شاعران بنیان‌های شاعری خود را در انجمن‌های ادبی شهرستان‌ها بی‌ریزی کرده‌اند و از همان انجمن‌ها به دنیای ادبیات معرفی شده‌اند. هرچقدر دولت‌ها و سازمان‌های رسمی بتوانند، این نقش میانجی انجمن‌های ادبی را تقویت کنند و به آنان در انجام وظایف خود کمک کنند، روند انتقال تجربه‌ها و معرفی شاعران جدید و نام‌های تازه در آسمان شعر ایران سهل‌تر خواهد شد.



انسیه موسویان
شاعر و نویسنده